

نویسنده: نرگس

سه شنبه 13 مرداد 1388 ساعت: 0:46

سلام آقای دکتر.

لطفاً ما را هم بی جواب نگذارید.

می خواستم در مورد مازوخیست بدانم.

سپاس.

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 13 مرداد 1388 ساعت: 14:43

خانم نرگس عزیز

مازوشیسم در روانپزشکی به نوعی انحراف جنسی اطلاق میشود که بنابراین رنج و عذاب جسمی مورد اصلی تمتع جنسی قرار میگیرد. فروید درعین حالیکه بدان معنایی عام تر داده مع الوصف آن را بصورت مفهومی جدی مورد توجه قرار نداده است. علت آنکه مازوشیسم متکی بر مکانیسمی اساسی تر است که در تحلیل نهائی به رابطه ای که بطور ماهوی میان رانش مرگ و زندگی (فروید: کتاب «ورای اصل لذت 1920») باز میگردد، امری که نزد لکان بصورتی بازهم قطعی تر جای خود را به مفهوم تمتع *jouissance* داده است. درمورد مفهوم تمتع شما را به کتابهائی که تا کنون منتشر کرده ام ارجاع میدهم. بااحترام

نویسنده: سهند

چهارشنبه 14 مرداد 1388 ساعت: 7:25

انگار که کتاب "اصطلاحات روانکاوی لکان" نوشته دیلن اونز توسط دو نفر به نام های مهدی رفیع و مهدی پارسا ترجمه شده و در ایران منتشر شده است. از آنهائیکه این ترجمه را دیده اند خواهشمندم برداشت شان از کیفیت ترجمه را بیان کنند. سپاسگزارم

نویسنده: نرگس

پنجشنبه 15 مرداد 1388 ساعت: 14:34

سلام و عرض احترام خدمت آقای دکتر

ممنون از راهنمایی و پاسخگویی هایتان که راهگشاست.

موضوع بعدی که مورد توجه ام است ومی خواهم بخوانم وبدانم

جایگاه عشق در روانکاوی است. هرگونه فرمایش شماو آشناکردنم بامقالات وکتب منتشرشده

راهنمایی بزرگی است.

سپاس

نویسنده: کرامت موللی

پنجشنبه 15 مرداد 1388 ساعت: 20:37

خانم نرگس عزیز

در پایان کتاب «مبانی روانکاوی» در قسمت اعلام و اصطلاحات تحت مدخل «انتقال

قلبی transference» مقاله نسبتاً مبسوطی راجع به عشق خواهید یافت. بااحترام

نویسنده: نرگس

جمعه 16 مرداد 1388 ساعت: 14:30

سلام.

باتشکرو سپاس از راهنمایی هایتان.

نویسنده: حسین سیافی

یکشنبه 18 مرداد 1388 ساعت: 19:21

با سلام به استاد و دوستان

احتیاج به کمی کمک دارم. میخواستم بدانم میتوانید مقاله ای معرفی کنید. که در مورد

روانکاوی و مکان باشد. از حیث فرافکنی عقده ها و رابطه ها به مکان یا شیئی .

(فارسی ؛ چون به زبانی غیر از آن مسلط نیستم).
با تشکر.

نویسنده: نیما از اصفهان

سه شنبه 20 مرداد 1388 ساعت: 13:35

با سلام به شما آقای موللی عزیز

واقعا بابت کتاب مبانی روانکاوی باید به شما خسته نباشید و تبریک گفت .
اخیرا مطالعه این کتاب و نیز مقالات شما در وب سایتتان را آغاز کرده ام . و در همین مدت
کوتاه 2-3 ماهه دیدگاهم فوق العاده تغییر کرده است . شیوایی و زیبایی کلامتان و ایجاز
نوشته هایتان برایم بسیار جالب توجه بود . با وجود اینکه در فرانسه زندگی و کار میکنید ولی
بر زبان فارسی بسیار مسلط هستید . کتاب شما جزء معدود کتابهایی در زبان فارسی است که
ساختار مشخصی دارد . از جایی آغاز و خواننده را پس از طی طریقی مشخص به نتیجه و
پایانی معین می رساند .

نویسنده: نیما از اصفهان

سه شنبه 20 مرداد 1388 ساعت: 13:56

در ضمن یک سوال هم دارم . و یک پیشنهاد .

تا جایی که من میدانم در روانکاوی لکانی معاصر گرایشاتی وجود دارد . که البته در ایران بجز
یکی از آنها ، که گمان میکنم مهمترین آنها نیز باشد ، یعنی انجمن جهانی روانکاوی (WAP)
که چهره اصلی آن ژک الن میلر ، داماد لکان ، است ، دیگر گرایشات شناخته شده
نیستند . همانطور که میدانید WAP گرایش غالب روانکاوی لکانی در کشورهای
آنگلوساکسون است و بخاطر اینکه بیشترین ارتباط فرهنگی ایران با این کشورهاست و
بیشترین کتاب از زبان انگلیسی ترجمه میشود ، و همچنین فیلسوفانی که با این گرایش مرتبط
اند مثل اسلاوی ژیژک و الن بدیو در ایران محبوب هستند ، در ایران روانکاوی لکانی بیشتر با
این گرایش تداعی میشود .

خوشحال میشوم اگر نظرتان را راجع به WAP و روانکاوانی مثل ژک الن میلر ، اسلاوی

ژیک و نیز الن بدیو بنویسید .

در ضمن پیشنهاد دارم که در بخشی از وب سایتتان به معرفی تاریخ و تحولات روانکاوی
لکانی از مرگ لکان تا کنون اختصاص دهید .

با تشکر

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 20 مرداد 1388 ساعت: 17:53

آقای سیافی عزیز

رابطه روانکاوی و مکان (یا آنچه فلاسفه ما «حیز» میخوانند) تحت عنوان توپولژی بخش
مهمی را در روانکاوی لکان تشکیل میدهد. من در این باره کتابی تهیه کرده ام که فعلاً زیر چاپ
است. امیدوارم در چند ماه آینده به بازار بیاید و شما بتوانید در آن پاسخی به سؤال خود پیدا
کنید. بااحترام

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 20 مرداد 1388 ساعت: 18:7

آقای نیمای عزیز

از لطف شما متشکرم. متأسفانه در اینجا مجال پاسخ تفصیلی به پرسش شما نیست. بطور
اختصار باید بخاطر داشت که آنچه لکان را لکان کرد همان مخالفت او با روانشناسی من در
آمریکا بود. بهمین جهت از IPA یعنی از **International Psychoanalysis Association**
اخراج شد و جه بهتر چراکه در این انجمن آمریکائی جائی نمیتوانست برای
نظریات قاطع و بدیع خود پیدا کند. حال جمعی از پیروان او با سرپرستی داماداش **WAP** را
راه انداخته اند که البته تقلیدی است از **IPA**. ولی مسأله به این ختم نمیشود. عیب عمده ژک
الن میلر و طرفدارانش اینستکه هیچ روانکاو لکانی را جز خود قبول ندارند و پیوسته در پی
تفوق بر دیگر روانکاوان بوده لکان را بصورت کالائی انحصاری برای خود درآورده اند.
بااحترام

نویسنده: سهند

شنبه 24 مرداد 1388 ساعت: 19:5

آقای نیما: به نقاط خیلی باریکی اشاره کرده اید که قابل تحسین است. سئوالی که برایم پیش آمد اینه که اولاً: نشانه های اینکه گرایش غالب روانکاوی در ایران گرایش محفل الن میلر است کدامند؟ برای اینکه من با احتمال خیلی بالا می توانم ادعا کنم که قبل از انتشار کتابهای دکتر موللی تعداد ایرانی هایی که حتی اسم لکان بگوش شان خورده بودید از دو دو جین هم بیشتر نبود. من که به سایت های فرهنگی ایرانی ها سر می زنم اگر حرفی در باره لکان آمده باشد به منابع استاد موللی رجوع داده شده است. ثانیاً: در مورد گرایش الن بودیو چیزی نمی دانم اما فکر نمی کنم که اسلاوی ژیتک متمایل به الن میلر باشه- البته این شناخت من شهودی است برای اینکه این آدمی نیست که خودش را در قفسی محبوس کنه.-- اگر اطلاعات بیشتری در این موارد دارید لطفاً با ما در میان بگذارید که کیفیت اطلاعات مان بهتر شود. با احترامات

نویسنده: نیما از اصفهان

پنجشنبه 29 مرداد 1388 ساعت: 12:52

با سلام به سهند عزیز

-منظور من هم همان عده محدودی بود که با روانکاوی لکان آشنائی دارند . (البته نام لکان در گفتارها و نوشتارهای روشنفکران ما زیاد برده میشود ، ولی بجز تعداد اندکی از آنها ، دیگران تصویر بشدت مشوشی از لکان دارند)

-در ضمن انتشار کتاب آقای موللی کاری سترگ در معرفی روانکاوی لکانی در دنیای فکری متاسفانه محقر فارسی زبان است که باید ارج گذاشته شود . ولی قبل از آن ترجمه هائی چند درباره لکان بویژه در نشریه ارغنون به چاپ رسیده بود .

-معروفترین متفکر لکان گرا در ایران اسلاووی ژیتک است که حدوداً 6-7 سالی است که مقالات و کتابهای زیادی از وی به فارسی ترجمه و منتشر شده . و همانطور که میدانید (و خود ژیتک هم به آن اشاره کرده) وی روانکاوی لکانی را از ژک الن میلر آموخته است . بنابراین ژیتک و بواسطه او میلر بیشتر معرف حضور خوانندگان فارسی زبان روانکاوی هستند

- نکته دیگر اینکه در ایران شناخت بسیار ناچیزی از گزایشات معاصر روانکاوی در سطح جهان وجود دارد .

- الن بدیو (که در یک سال اخیر سه کتاب از وی به فارسی ترجمه شده) استاد فلسفه اکول نورمال سوپریور است و جزء حلقه شاگردان لوئی آلتوسر محسوب میشود (در کنار متفکرانی مثل پیر ماشری ، اتین بالیبار ، ژاک رانسیه و ..) . در ضمن وی نیز همانند سلف فکری اش آلتوسر ، توجه زیادی به روانکاوی لکانی دارد و از دوستان و نزدیکان فکری ژک آلن میلر میباشد.

البته همانطور که در پست قبلی ذکر کردم ، بسیار عالی است اگر کسی به معرفی دقیقتر تاریخ ، گزایشات و متفکران روانکاوی بپردازد . امیدوارم آقای موللی فرصت این کار را داشته باشند .

نویسنده: آرش

سه شنبه 3 شهریور 1388 ساعت: 14:45

با سلام

دست زدن به نگارش کتابی به زبان فارسی در زمینه روانکاوی بسیار شهادت می خواهد از این رو کار آقای موللی جای بسیار تقدیر دارد. گرچه زبان آن به نظر من بدلیل استفاده بیش از حد از لغات عربی تا حدی سنگین است.

در ضمن اخیرا کتابی دیدم از دکتر کدیور که مجموعه مقالات و سخنرانیهایی است درباره روانکاوی لکان. با همه مقالات آن موافق نیستم. ولی زبانش بسیار روان است. با تشکر از آقای موللی که این سایت را راه اندازی کرده اند و با امید اینکه روانکاوی بتواند در جامعه ما هم جای شایسته خود را بیابد.

نویسنده: سهند

سه شنبه 10 شهریور 1388 ساعت: 6:54

دکتر موللی عزیز: من کرسی در ارتباط با اخلاق در پزشکی بر داشته ام که قرار است دو گروه -- موافق و مخالفان سقط جنین -- در بحث های سر کلاس با همدیگر به تبادل نظر به بپردازند. من شخصا با عناصر افراطی هر دو جبهه مخالف هستم اما سقط جنین را در شرایطی

قبول دارم. در این باره مطالعاتی هم کرده ام اما خیلی خوشحال خواهم شد که اگر در فرصت کمی که دارید مطلب --هرچند کوتاهی -- از دیدگاه روانکاوان در باره سقط جنین را برایمان به نویسید. قبلا از زحمات بی شائبه تان سپاسگزارم.

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 17 شهریور 1388 ساعت: 11:50

دوست عزیز آقای سهند

سقط جنین واجد دو واقعه دروغ آمیز (تراژیک) لااقل برای دو عامل یا عنصر اساسی است: زن و فرزند. سقط جنین همواره فاجعه ایست از برای هر زن، منظورم بخصوص فاجعه روانی است. ولی در مقابل، حقوق زنان قرار دارد که بموجب آن هیچکس نمیتواند زنی را به تحمل بارداری و پرورش فرزند مجبور کند چراکه در غیر این صورت به قرون وسطا بازخواهیم گشت. از لحاظ بالینی تجربیاتی که من در مورد روانکاوی زنانی که در مقابل این پرسش قرار گرفته اند دارم همواره حاکی از آنستکه که از نظر روانی سقط جنین در رابطه ای نزدیک با آنچه ما در روانکاوی «میل به امحاء پدر» میخوانیم میباشد. چنانکه می دانید فانتسم امحاء پدر (عقدۀ اودیپ) یکی از پایه های اساسی نفسانیات است که موجب تشکل نام پدر و دسترسی به مقوله قانون میگردد. سائقۀ اصلی آن احساس دین به پدر است، احساسی که بطور پیچیده ای با احساس گناه تلفیقی عمیق دارد. خلاصه آنکه سقط جنین موجب احساس گناهی است عظیم که گاه حتی تا پایان زندگی یک زوج به انحاء مختلف ادامه مییابد. ولی نمی بایستی به این اکتفاء کرد چراکه مسأله برسر حیات موجودی است که در صورت صرف نظر از سقط جنین پا بعرضه وجود میگذارد و گاه موجب فاجعه ای در طول حیات او می گردد. مثالها در این مورد فراوانند مثلاً کودکانی را در نظر بگیرید که دچار انواع مشکلات پزشکی و روانی هستند یعنی کودکانی که به اصطلاح به بیمارستان زدگی **hospitalism** و عوارض آن ابتلاء پیدا می کنند چراکه در پرورشگاه ها بزرگ شده اند و یا اینکه مادر در حالت روانی مساعدی برای مراقبت از آنها نبوده است. تئوری علاقه و وابستگی **Attachment theory** نشان دهنده این امر اساسی است که هر موجود زنده و بالاخص انسان نیاز به محبت و عشقی دارد که در عرف لکان آرزومندی خوانده میشود. بااحترام

نویسنده: نیما

جمعه 20 شهریور 1388 ساعت: 20:33

با سلام به آقای موللی

اگر ممکن خواهشمندم در مورد مفهوم *encore* در رابطه با هویت یابی جنسی زنان توضیح

بدهید. و در ضمن شما برای ترجمه فارسی این واژه چه کلمه ای را می‌کنید؟

همچنین در مورد مفهوم *masquerade* نیز لطفا توضیحاتی ارائه کنید.

با تشکر و احترام

نویسنده: کرامت موللی

شنبه 21 شهریور 1388 ساعت: 16:47

آقای نیمای عزیز،

لفظ فرانسوی *encore* بمعنای «باز هم، مجدداً، دوباره» است و عنوان یکی از مجالس

(سمینارهای) لکان است که بخصوص در مورد میل جنسی یا جنیست نزد زنان است و مسأله

اساسی «تمتع» را مورد بررسی قرار میدهد. نظر بدیع لکان در این مجلس عبارت از عنوان

کردن مبحثی جدید در روانکاوی است که وی آن را «تمتع غیر ذکری» میخواند و از آنجا

رابطه ای میان تمتع زن و تمتع عارفانه ایجاد میکند.

کلمه *masquerade* اصطلاحی است که لکان در پی یکی از روانکاوان انگلیسی زبان در مورد

هیستری (بخصوص زنانه) عنوان میکند چراکه زن هیستریک همواره بر این امر گرایش دارد

که رفتار و اعمال خود را با رفتار و کردار مردان انطباق دهد. من آن را به «نظاھر بما غیر»

ترجمه کرده ام. با احترام

نویسنده: سهند

یکشنبه 29 شهریور 1388 ساعت: 15:58

استاد ممنون از صرف وقت و توضیحات روشن‌گرا تان.

نویسنده: علاقه مند

چهارشنبه 1 مهر 1388 ساعت: 19:18

با سلام خدمت آقای دکتر موللی گرامی:

ایا طباع های نفسانی همانند جبری هستی شناسانه بر ادمی تسلط دارند؟ یا انها محصول جبر اجتماعی هستند؟ در انصورت چه روابطی ما بین نظامهای اجتماعی و طباع های نفسانی وجود دارد؟ ایا می توان ساختهای نفسانی متفاوت از آنچه که در عرف روانکاوی امروزی وجود دارد برای آینده انسان متصور شد؟

توهم یگانگی با نام پدر چه رابطه ای با عرفان می تواند داشته باشد؟ چنین توهمی اصولاً با نام پدر واقع صورت می گیرد یا خیالین؟

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 1 مهر 1388 ساعت: 23:8

آقای علاقه مند عزیز

آنچه در پایان روانکاوی اشخاص دیده میشود رابطه کاملاً متفاوتی است که شخص با طباع نفسانی خود پیدا میکند بدین معنی که بدون از دست دادن آن دیگر در رابطه ای اسارت آمیز با آن نیست. لذا طباع فرد از حالت منجمد خود خارج شده و فرد را با خویشتن خویش خود آشتی میدهد.

طباع های نفسانی با نظام اجتماعی واجد همان رابطه ای هستند که در نوار موبیوس میان «دو» روی آن وجود دارد. نظام اجتماعی یکی از تجلیات نام پدر است.

وحدت با نام پدر البته حاصلی جز از حیث خیالی نیست ولی میل به چنین وحدتی است که گاه می تواند موجب وقایع تاریخی عظیمی بشود. لذا باید میان وحدت با نام پدر و میل به وصول به این وحدت تمایزی اساسی قائل شد.

بااحترام

نویسنده: علاقه مند

جمعه 3 مهر 1388 ساعت: 22:3

آقای دکتر از پاسخهای ارزنده تان بسیار سپاسگزارم.

نویسنده: کرامت موللی

پنجشنبه 9 مهر 1388 ساعت: 20:34

از تمام دوستان دعوت میکنم که با مطالعه مقالات جدید آقای مروتی («رابطه روانکاوی با مذهب» و همچنین «زبان سپهری») با ایشان تبادل نظر کرده و نظریات خود را مورد بحث قرار دهند. این دو مقاله را می توانید در همین سایت در قسمت «مقالات شما» پیدا کنید.

نویسنده: صلاح الدین

جمعه 10 مهر 1388 ساعت: 12:10

با سلام ...

در مورد کتابتون که در هر صفحه اش بیشتر با خودم روبرو می شم دیگه نمی دونم چی بگم اما سوالی که دارم در رابطه حیث پدریه که تکلیفش پیش فرزندانیه که پدرشون در بدو تولد فوت کرده چیه ؟

نویسنده: کرامت موللی

جمعه 10 مهر 1388 ساعت: 16:24

آقای صلاح الدین عزیز

حیث پدری مبتنی بر ساحت رمز و اشارت است. لذا منظور از پدر وجود واقعی او نیست. از همین جهت است که غیبت واقعی پدر بخصوص موجب تحکیم ساحت ترمیزی او میشود. بهترین مثال در این مورد را می توانید نزد موسی، عیسی و پیامبر اسلام پیدا کنید.

با احترام

نویسنده: صلاح الدین

شنبه 11 مهر 1388 ساعت: 9:48

خودم هم به همین فکر می‌کردم اما اگر اینجوری باشد پس حیث پدر بصورت ذخیره معرفتی انتقال می‌یابد پس چرا تا دو سالگی از آن خبری نیست و از طرفی دیگر این چرا در مورد مادر صادق نیست همانگونه که در مورد کودکان پرورشگاهی مثال زده بودید؟
مقاله ای به ایمیلتان فرستاده ام سپاسگذارم ملاحظه بفرمایید

نویسنده: کرامت موللی

شنبه 11 مهر 1388 ساعت: 12:5

آقای صلاح الدین عزیز

این مادر است که حیث پدری را به کودک منتقل میکند زیرا که ذاتاً واجد آنست. مشکل اساسی در پسیکوز همین مسأله است که مادر بعلل مختلفی قادر به اعطای حیث پدری به فرزند نمی‌باشد. باید دانست که حیث پدری ماهیت آرزومندی را تشکیل می‌دهد، آرزومندی از آنجهت که همواره واجد محدودیت وجود بشری یعنی کسترسیون میباشد. بااحترام

نویسنده: صلاح الدین

شنبه 11 مهر 1388 ساعت: 13:2

توضیحاتان کافی بود بسیار سپاسگذارم

می‌تونم مطمئن شوم مقاله ام بدستتان رسیده است؟

نویسنده: کرامت موللی

شنبه 11 مهر 1388 ساعت: 23:22

آقای صلاح الدین عزیز

مقاله شما رسیده است ولی با مطالعه سطحی آن چنین بنظر میرسد که چندان به روانکاوی مربوط نمیشود. در اولین فرصت به مطالعه جدی آن خواهم پرداخت. بااحترام

نویسنده: صلاح الدین

سه شنبه 14 مهر 1388 ساعت: 7:41

جناب موللی گرامی

ربط آن به روانکاوی بازیابی معانی ناگفته های فروید است
سپاسگذارم اگر بفرمایید کتابهای لکان به چه زبانی است و پیش زمینه فهم نظام او چه
نظامهای فلسفی می باشد .

نویسنده: کرامت موللی

شنبه 18 مهر 1388 ساعت: 7:16

آقای صلاح الدین عزیز

برای یافتن پاسخ به سؤالات بالا به دو کتاب «واژگان فروید» و «واژگان لکان» و بخصوص
مقدمه آنها در همین سایت مراجعه کنید. بااحترام

نویسنده: صلاح الدین

شنبه 18 مهر 1388 ساعت: 12:54

به احترام تفکر و نگاهتان

بخشید استاد شاید حق ندارم این همه سوال بپرسم اما تحقیقم ایجاب می کند و کمبود کتاب
و نقص فهم من

یکی اینکه بر چه مبنایی ساحت رمز و اشارت ذات اصلی و حقیقی انسان فرض می شود و

دیگر اینکه آیا برزخی بودن صفت عمومی نفس است ؟ بازهم سپاس

دوست دارتان

نویسنده: کرامت موللی

شنبه 18 مهر 1388 ساعت: 14:10

آقای صلاح الدین عزیز

سؤالات فوق نیاز به تفصیلاتی دارد که در حوصله این وبلاگ نیست. پاسخ دقیق و تفصیل آنها را در کتابم «مبانی روانکاوی، فروید-لکان» خواهید یافت. بااحترام

نویسنده: حامد صوفی

جمعه 8 آبان 1388 ساعت: 12:53

با درورد بر دکتر موللی عزیز

آثارتان را بارها و بارها خوانده ام و هر بار ایده و گفتمانی جدید بر من حادث شده؛ بنده از دانشجویان رشته های علوم پزشکی (داروسازی) هستم و دانش پزشکی ام در کنار سلاقی گیاهخواری و مطالعات زبانشناسی و سایر حوزه های علوم انسانی، مرا در چندی ایده پردازی با تکیه بر گفتمان روانکاوی یاری نمود .

توانسته ام با کنار هم قرار دادن شواهدی چند در علم پزشکی، ایده "ناخودآگاه جسمانی" را علاوه بر "ناخودآگاه روانی" طرح ریزی کنم، همچنین به لطف گفتمان ساختگرایی، توانسته ام "ناخودآگاه تاریخی-اجتماعی" را نیز ایده پردازی کنم، ضمن آنکه پس از سالها مطالعات زبانشناسی، مبانی جدیدی را برای توجیه فرایندهای روانی زبان پایه گذاری کرده ام، در این باره به طور خصوصی با شما در ارتباط خواهم بود، در صورتی که جسارتم آزارتان نمی دهد ایمیل خودتان را در اختیارم قرار دهید .

سئوالی که هم اکنون برایم پدیدار گشته، من باب نظریه فروید برای توجیه توتمیسم و چرائی عدم توجه او به چند نکته بحرانی می باشد: چرا فروید از جایگزین شدن پستان حیوانات اهلی به جای پستان مادر در افراد بالغ سخنی نراند؟ (بازسازی حضور و شخصیت مادر در حین عمل دوشیدن حیوان که می تواند بر انگیزنده احساس تخطی از نام پدر باشد) و اینکه کشتن حیوان در نگاه فروید امری مذموم انگاشته نمی شود؟ (در این باره مقاله ای عامیانه در تارنمای خود گذاشته ام : <http://zabax.blogfa.com/post-103.aspx>)

واپسین سئوال: در زمینه پزشکی روانکاوانه چه کتابی برای مطالعه توصیه می فرمائید؟ منظورم

همان تظاهران جسمانی افراد است که بر طبق گفتمان روانکاوی از نارسائی های روانی پدید آمده اند و عجیب آنکه آنگونه که من برداشت کرده ام بسیاری از این تظاهرات مربوط به اختلالات دستگاه گوارش می باشد .

نویسنده: کرامت موللی

جمعه 8 آبان 1388 ساعت: 15:2

دوستان عزیز

توجه و واکنش همه دوستان را به مقاله جدیدی درباره فارسی سزه از آقای مروتی در بخش «مقالات شما» جلب میکنم.

نویسنده: کرامت موللی

جمعه 8 آبان 1388 ساعت: 15:56

آقای صوفی عزیز

از طریق سایت با کلیک کردن بر روی «contact me» میتوانید بطور خصوصی با من تماس بگیرید.

درباره رفرانس کتابی جالب را درمورد بیماری های روانی - تنی برایتان میفرستم. بااحترام

David Corfield, Penguin & why People Get Ill ? by Darian Leader
Books, 2008

نویسنده: حامد صوفی

شنبه 9 آبان 1388 ساعت: 16:43

با درود دوباره بر دکتر موللی عزیز
در مورد ایده ناخودآگاه جسمانی نامه ای برایتان میل کرده ام (ravankavi@msn.com)
منتظر جوابتان خواهم بود

نویسنده: نیروانا

شنبه 9 آبان 1388 ساعت: 19:56

با درود بر دوستان:

بعضی لغزشها چنان است که اب هر درستی را می ریزد.

لغزش آقای مروتی چنان است.

این سخنان تازه گی نداشته 1400 سال تکرار می شود. شاملو شاعر در دانشگاه برکلی
سخنرانی داشته موارد آقای مروتی را البته کاملتر بیان می کند . پاسخ ایشان را استاد جنیدی در
سایت خود در دسترس دوستان قرار داده است.
وامابعد.

مولانا می فرماید: از دو چیز خنده ام گرفت زنگی سرناخن سیاه کند کوری سر از پنجره بیرون
آورد. تشبیه دهاتی به ایران دوستان اینجین است. دوستان خود به دفتر سوم مثنوی مراجعه
کنند و داستان شهری و روستایی را بخوانند.
با سپاس.

نویسنده: سهند

شنبه 9 آبان 1388 ساعت: 22:33

انگار که نوشته تک صفحه ای آقای مروتی اب در خوابگه مورچگان ریخته است. حتی این
شخص نیروانا که متلکی هم انداخته است ناچار از دامن مولانا آویزان شده است که خود
نمودار فرهنگ بعد از اسلام است. من با درک ناقص ام ادعا می کنم که هم زبان فارسی و هم
زبان ترکی بدون استفاده از زبان پر قدرت عربی مجبور است که روی ویلچیر به افتد. اینکه
چگونه یه مشت گمراه مانند صادق هدایت و احمد کسروی و شرکا در حسرت ایران باستان
پر افتخاری که هرگز وجود نداشته یه مشت مزخرفات به خورد مردم داده اند داستان تلخ بس

طویلی دارد که اگر در وقت اش بازشکافی نشود مانند غده سرطانی تمامی پیکره ایران را به هلاکت خواهد کشانید. این خرافات چنان بر اکثر روشنفکران ایرانی باد دمیده که می ترسم روزی ترکیده و مردم عادی و بیگناه جزای اعمال اینها را پرداخت کنند. نیروانا هم بهتر است که گاهگاهی هم نوشته های افرادی مانند دکتر محمدرضا باطنی و نیکفر و اشوری در رابطه با زبان فارسی را مطالعه کنند

نویسنده: نیروانا

یکشنبه 10 آبان 1388 ساعت: 15:17

دوست گرامی سهند:

آویزان شدن از دامن مولانا افتخار بزرگیست که شامل سلمان رشدی هم شده. اساس کتاب آیات شیطانی بیت زیر است.

بت ستودن بهر دام عامه را همچنان دان کالغرائیق العلی

دفتر ششم بیت 1529

وامابعد.

1- کسروی، هدایت، شرکا، سروش، موسوی، احمدی نژاد، بوش، آل احمد، مهاجرانی، بنی صدر وووووووو همگی دوست اسلام و دشمن ایران هستند.

2- اشوری شاگرد فیلسوف فاشیسم اخراالزمانی فردید بوده که پاسخ او بویژه کتاب مدرنیت را شاگرد دیگر فردید اسدیان داده می توانی در سایت اندیشه بیابی.

3- 1400 سال قبل از اسلام را با 1400 سال بعد از ان خودت مقایسه کن.

4- آیه 4 سوره روم پیروزی رومیان بر ایرانیان را باعث شادی مومنین (اعراب) می داند این همبستگی بین رومیان(غرب) و اعراب هنوز هم برقرار بوده و مقابل ایران است.

5- آشنایی شما با زبان عربی شاید باندازه علامه طباطبای نباشد که بتوانی 20 جلد تفسیر المیزان بزبان عربی بنویسی و در انتها نتیجه بگیری بهتر است مانند علامه

22 بیت شعر فارسی سره بنویسی مانند. پرستش به مستی است در کیش مهر.

6- مولانا در پایان مثنوی می فرماید:

دیو و مردم را ملقن یک خداست غالب اید بر شهان زو گر گداست

بنابر این مورچگان هم امید پیروزی دارند.
با سپاس.

نویسنده: نیما

چهارشنبه 13 آبان 1388 ساعت: 10:22

با سلام به آقای موللی

شما برای خواندن شرحی مبسوط درباره طباع و سواسی - اجباری از دیدگاه روانکاوی لکانی
چه کتابی را پیشنهاد میکنید؟

البته به زبان انگلیسی - چون بنده به فرانسه مسلط نیستم و در زبان فارسی هم که چیزی در
این باره وجود ندارد، به جز شرح مختصر و البته پرمغز شما از آن در کتابتان.
سپاسگزارم

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 13 آبان 1388 ساعت: 14:34

خدمت آقای نیما

درزیر رفرانس دو کتاب را در مورد موضوع مورد نظر برایتان میفرستم. با احترام

http://www.amazon.com/After-Oedipus-Psychoanalysis-Kenneth-&s=books&Reinhard/dp/1888570350/ref=sr_1_33?ie=UTF8&sr=1-33#reader_1888570350&qid=1257341026

http://www.amazon.com/Wolfman-Other-Penguin-Modern-&s=books&Classics/dp/0141183802/ref=sr_1_4?ie=UTF8&sr=1-4&qid=1257341327

نویسنده: حامد صوفی

شنبه 16 آبان 1388 ساعت: 18:54

گفتمانی پیش آمد اندر پی ورزی (تعصب) زبان دانان و سخن ورزان پارسی گو، مگر نه اینست که از دید فروید، پافشاری (اصرار) و ناپذیری (انکار) اگر رویه ای بدون اندیشه می گرفته و تنها در راستای ناخودآگاه کور کورانه می بوده، هر کدام دو روی یک سکه بودستی؟ او که خوابگه مورچگان پر آب می دید، بی گمان از هراس درونی خود سخن می راند و به پافشاری خود، بوی ناپذیری می بخشید .

دیگر آنکه همان دکتر باطنی بود که نازائی (عقیم بودن) زبان فارسی (و نه پارسی) را به میان کشید و این جنب و جوش بی گمان چشمه ای کوچک از تلاش های اندیشمندان احمد کسروی در راستای باز پروری و زبانی دوباره این زبان می بود ؛ باشد که ارج نهم .

نویسنده: حامد صوفی

شنبه 16 آبان 1388 ساعت: 19:36

تفاوت بارزی که میان زبانهای ترکیبی (چون فارسی) و اشتقاقی (چون عربی) به ذهنم می رسد مسئله ماهیت زبانی ضمیر نا خودآگاه می باشد، چه آنکه ساختار وندی به ریشه افعال فارسی این اجازه را می دهد که گستره معانی وسیعی را با کلمه سازی از یک ریشه فعلی، پوشش دهیم (ور رفتن، در رفتن، وا رفتن، فرو رفتن، فرا روی، رفتنی، رفتگان و ...) اما زبانهای اشتقاقی که تنها در چند صیغه محدود قابلیت کلمه سازی دارند برای پوشش گستره معانی از ریشه های گوناگون بهره می برند که این امر برای زبان فارسی آمیخته با عربی بسیار حاد می نماید، ضمن آنکه ساختار کنایی زبان فارسی استفاده از یک عبارت و اصطلاح را به جای یک کلمه بیگانه را نیز در پیش می گیرد . در نتیجه این تداخلات زبانی میان فارسی و عربی، آثار سایکولوژیکی فراوانی بر ذهن فارسی زبانان تحمیل می شود و این خود به نوعی حالت تدافعی و پس زدن را برای مخاطب خود ایجاد می کند؛ ضمن آنکه واژگان عربی با قواعد آوایی زبان فارسی نمی خواند و این امر تشدید اثرات جنون آمیز آن را بیشتر می کند . تاثیر این جنون زدگی در میان ایرانیان به حدیست که اشعار حافظ و مولوی را با وجود وفور واژگان عربی نا آشنا به تقدس می انگاریم حال آنکه شاعر بزرگی چون فردوسی که در سرایشی اضمحلال زبان پارسی، چونان منظومه ای را سرود به کنار می گذاریم و با وجود آنکه وی چند قرن از دو شاعر مزبور کهن تر است، اما اشعار او همچنان برای ما آشنا و از

لحاظ شم زبانی، نزدیک و همخون می باشد. اوج این جنون زدگی را بایستی در خواندن کتب مقدس به زبان اصلی دانست حتی با وجود اینکه از معانی جملات و عبارات خوانده شده چیزی دستگیرمان نشود (مثلا در اوستا خوانی زرتشتیان) ... و این همه از بد آموزیهای تحمیل زبان عربی بر فارسی می باشد ...
جناب دکتر موللی، من باب ایده ناخودآگاه جسمانی، جوابی از سوی شما دریافت نکرده ام ...
منتظر پاسختان هستم

نویسنده: نیروانا

شنبه 16 آبان 1388 ساعت: 20:28

دوست گرامی حامد:

اگر استاد فردوسی نبود. مثنوی مولانا پدید نمی آمد. بنا براین گرامی داشت ایرانیان پس از استاد گرامی داشت فردوسی است.
واما بعد.

مولانا در سرزمین بیگانه کوچ فارسی سروده است و این ارزش مولانا را دو چندان می کند. همچنین

1- قران را تاویل نموده که 800 سال پس از او هم مشاهده نمی شود.

2- آریایی می اندیشد و خواستگاه اش نیروانا است.

3- جهانی می اندیشد و مرد زمانه است.

با سپاس.

نویسنده: سهند

شنبه 16 آبان 1388 ساعت: 21:26

آقای صوفی: اگر با عمه جان و دایی جون و بقال و باغبان و نان پز سر محل تان هم با همین زبان حرف می زنید مسئله ای ندارم اما اگر با آنها با زبانی که آدمی سرحالش می شود حرف می زنید لطفا با ما ها هم به همان زبان حرف بزنید که این لغات من در آوردی نشانه با فرهنگ بودن نیست.

اقای نیروانا: مشکلات شما را هم می خواستم که به خدا محول کنم که یعدا متوجه شدم که از دست ایشان هم کاری ساخته نیست. پس شما را به دکتر شجا الدین شفا-- که هم دکتر است و هم شجاع و هم شفا دهنده--- حواله می دهم که ایشان هم با توسل به معجون‌های که استاد پرفسور دکتر جمالی از طریق جوشانیدن پر سیمرغ همراه با ورد و دعای زرتشت پیامبر--- که به اندازه پر مگسی هم ازش اثری باقی نمانده --تهیه نموده اند درده هایتان را درمان کند. البته می خواستم که مستقیماً به پیامبر هاخا تماس بگیرم که در دسترس نبودند احتمالاً در جلسات مخفی سیمرغ بودند.

من اصلاً و ابدا قصد پائین آوردن ارزش زبان های فارسی و ترکی را نداشتم اما هراسم از این است که ایران عزیز مان روزی به خاطر جهل و نادانی بعضی از این اریان:ادان به سرنوشتی بد تر از یوگسلاوی سابق و عراق و افغانستان دچار شود.

فقط کافی است که نگاهی سطحی به وضع ایران در میان همسایگان مان به اندازیم که اکثراً سنی مذهب اند و ما پی در پی در طبل ضد عرب می کوبیم بطوریکه تمامی ممالک عربی در جلوی مان صف کشیده و ایران را بجای اسرائیل دشمن همده خود می دانند. حرف های آن جاهلی که با نام دانشمند بالای منبر سنی مذهب ها را زنا زاده می می نامد ریشه در افکار پوسیده و گندیده افرادی مانند فردوسی و کسروی و صادق هدایت دارد. ایا حاضرید بخاطر یه مشت اشعار خرافی و ن:اد پرستی و مجعول هذینه بالایی به پردازید؟

راستی حتی یکبار هم به فکرتان خطور کرده است که چرا همه دانشمندان و متفکران و فیلسوفان ایرانی در گذشته کتاب هایشان را نه به زبان فارسی بلکه که به زبان عربی نوشته اند؟ ایا معقول نبود که بجای استفاده از زبان یه مشت عرب " بیابانگرد " و " سوسمار خور " بی فرهنگ از زبانی استفاده کرد که شاهنشاهش 2500 سال پیش بیانیه " حقوق بشر " را صادر کرده است؟

نویسنده: محمد

یکشنبه 17 آبان 1388 ساعت: 16:21

من یک سوال دارم که نمیدونم جوابی داره یا نه ولی به هر حال می پرسم:
من حدود 24 جلسه تحت درمان روانکاوانه توسط یک روانکاو مشهور (دکتر خدیوی) در
مشهد قرار گرفتم. بخشی از گرفتاری هام رفع شد ولی الان احساس میکنم نیاز دارم به
جلسات بیشتر. الان در شهر دیگری هستم.
می تونم به روانکاو دیگری مراجعه کنم؟ یعنی
به لحاظ منطقی این تغییر روانکاو مشکلی ایجاد نمیکنه؟
ممنونم از صرف وقتی که می کنید.

نویسنده: نیروانا

یکشنبه 17 آبان 1388 ساعت: 19:21

دوست گرامی سهند:

با کریمان کارها دشوار نیست. مشکلات همه را به خدا محول کن که بسیار نیکوست.
واما بعد.

من تمام موارد آقای مروتی و شما را پاسخ دادم با نشانی ولی تنها شعار شنیدم.
این روش اسلام است. خواب کردن مردم.

فکر خفته گر دوتا و گر سه تاست هم خطا اندر خطا اندر خطاست

دفتر چهارم بیت 3239

تا از خواب اسلام بیدار نشیم همه راهها بی راهه است. و من مانند شما نگران نیستم. چون

گر جهان پر برف گردد سر به سر تاب خور بگدازدش با یک نظر

دفتر اول بیت 543

چنانچه نور دانش پرتو افشانی کند. برف 1400 ساله اسلام نابود می شود.

با سپاس.

نویسنده: کرامت موللی

یکشنبه 17 آبان 1388 ساعت: 22:51

آقای محمد عزیز

تغییر روانکاو واجد هیچگونه مشکلی نخواهد بود چراکه هر دوره ای از روانکاوی طی طریق دیگری خواهد بود که بدان غنای بیشتری هم خواهد بخشید. بااحترام

نویسنده: محمد

دوشنبه 18 آبان 1388 ساعت: 16:53

ممنونم از اینکه زود جواب دادین.